

جامعه اقتصادی اروپا و دیدگاه اتریش

قسمت اول

از: مرکز تحقیقات و بررسیهای اقتصادی اتاق

مقدمه

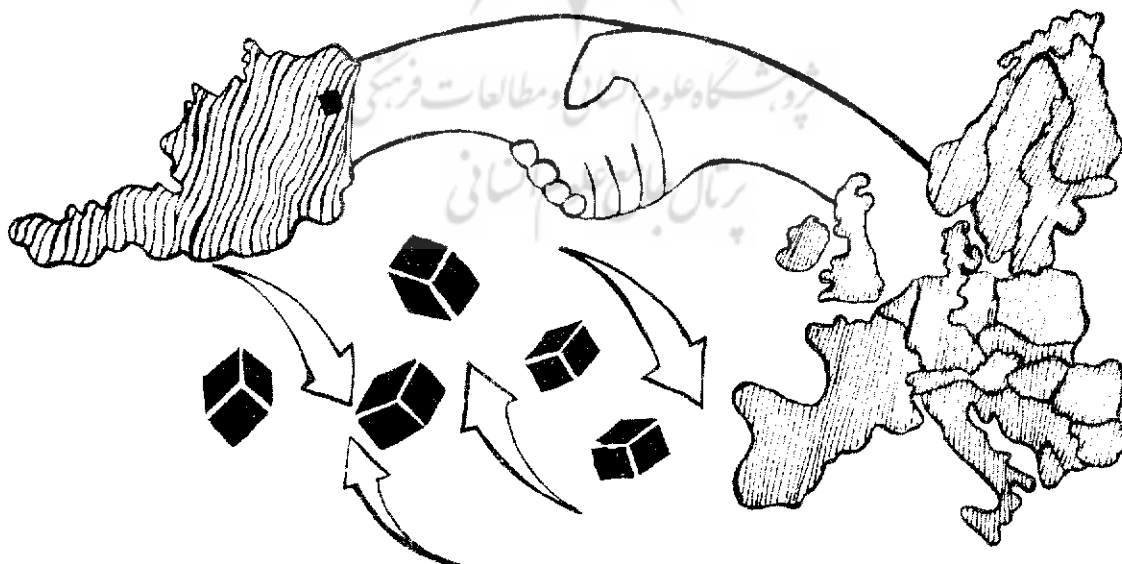
دیدار هیأت اقتصادی و بازرگانی اتساق بازرگانی و صنایع و معادن ایران از اتریش ظرف دو سال پیاپی و بازدید اخیر رئیس اتاق اقتصاد اتریش از ایران فرصت مناسبی پیش آورد تا در مورد موضع اتریش از دید جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک اروپا) و به طور کلی وضع قابل پیش بینی این جامعه در آینده با مقامات اتریشی خاصه مسئولانی که بر کار جامعه اقتصادی اروپا نظارت دارند، گفتگوهایی بعمل آید. در این بررسی همچنین از گزارشهای سودمند وارزنده سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین استفاده به عمل آمده و مرکز تحقیقات و بررسیهای

اقتصادی اتاق ایران وظیفه خود می داند از سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین و مدیریت کل اروپای غربی وزارت امور خارجه به خاطر تهیه و در اختیار گذاشتن این گزارشها تشکرو سیاستگزاری نماید.

پس از فروپاشی رژیم کمونیستی

مرکز تحقیقات اتریش طی گزارشی که اخیراً انتشار داده نوشته است به دنبال فروپاشی نظام کمونیستی در کشورهای شرق اروپا و حرکت آنها به طرف اقتصاد بازار در یکی دو سال اخیر، هم اکنون بر آورد می شود کما یکه پارچگی اقتصادی که طی ماههای اخیر مقدمات آن فراهم شده

است جامعه اقتصادی اروپا با بیش از ۳۸۰ میلیون نفر جمعیت بزرگترین قطب اقتصادی- تجاری جهان در قرن آینده خواهد شد که در مقایسه با ژاپن و آمریکا جامعه ای فعال تر و قدرتمندتر از این دو کشور در صحنه جهانی خواهد بود. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان اقتصادی اروپا اهداف عمده کشورهای عضو جامعه اقتصادی از ایجاد چنین جامعه ای رشد و توسعه متناسب و مداوم اروپا، ارتقاء سطح زندگی اروپائیان، جابجائی و استقرار آزاد اتباع اروپائی، امکان ایجاد شرکت توسط اتباع اروپای واحد در هر یک از کشورهای عضو، تعیین یک قیمت مشترک برای کالاهای صادراتی و بالاخره ایجاد یک سیستم واحد و هماهنگ



مالیاتی و ایجاد پول واحد اروپایی قدرتمند جهت مقابله با دلار آمریکا و بین ژاپن خواهد بود.

برطبق گزارش آماری با ایجاد جامعه واحد اروپایی تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی قطب جدید اقتصادی بین ۴/۵ تا ۷ درصد کاهش خواهد یافت. بنابراین پیش بینی های بعمل آمده جمع کل صرفه جویی و منافع مورد انتظار به قیمت های ثابت سال ۱۹۹۲ میلادی بین ۲۰۰ تا ۲۷۰ میلیارد اکو (واحد پول اروپایی) خواهد گردید. به عقیده بسیاری از ناظران اقتصادی علیرغم این مسائل جامعه واحد اقتصادی اروپا از مشکلات عدیده ای رنج می برد کسه عمده ترین آن نبودن وحدت کامل در بین اعضا و موانع موجود در سر راه این وحدت می باشد. سیاست خارجی و سیاست دفاعی و نظامی عمده ترین این موانع تلقی می شود.

آیا یک پارچگی اروپا به تحقق خواهد پیوست؟

براساس گزارش مذکور مهم این است که تحقق یکپارچگی اروپا با عضویت حداقل ۳۰ کشور طرحی است که اجرای آن لافلا در قرن حاضر محتمل بنظر نمی رسد. خاصه آنکه این یکپارچگی از مشکلاتی نظیر پایین بودن کیفیت صنایع اروپا در مقایسه با کیفیت صنایع ژاپن و نیز نرخ رشد پایین اقتصادی، کاهش جمعیت فعال، کاهش بهم صادرات در بازارهای جهانی، کاهش مهم توسعه و تحقیق در برنامه های اقتصادی، اختلاف ساختاری و گرایش متفاوت در سیاست های داخلی و خارجی رنج می برد.

تشکیل و فعال کردن جامعه اقتصادی اروپا در قالب تحولات جدید مصادف با زمانی شده است که دنیا و از آن جمله اروپا چند سالی است که در رکود اقتصادی شدید به سر می برد که پایان آنهم قابل پیش بینی نیست. در شرایط فعلی اقتصادی اتریش، مقامات اقتصادی آن

کشور با توجه به بحران جاری سعی دارند تا از طریق تشویق شرکتهایی که در بخشهای مختلف اقتصادی مشغول به کار می باشند به انجام سرمایه گذاری در پروژه های تولیدی و صنعتی در کشورهای همسایه، سایر نقاط جهان بر سهم درآمدهای ارزی خود بیفزایند و این همسان سازی است که دیگر کشورهای عضو جامعه اروپا نیز آنرا تعقیب می کنند و برخورد این سیاست های اقتصادی در زمانی است که رکود اقتصاد جهانی بر اقتصاد داخلی اکثر کشورها تأثیر گذاشته است. به نوشته هفته نامه اشترن بحران اقتصادی موجود در سطح بین المللی هم اکنون نیاز به یک برنامه ریزی و بازنگری جدی برای خاتمه بخشیدن به آن دارد. در این راستا کشورهای صنعتی جهان خصوصاً قطب های عمده اقتصادی بایستی به چاره جویی اساسی برخیزند. افزایش بیکاری، رشد تورم، کاهش سرمایه گذاریها در شاخصهای عمده اقتصادی و بسیاری از مشکلات جانبی دیگر اقتصاد کشورهای پیشرفته جهان را دستخوش تغییرات منفی قرار داده و ترسیم خطوط و جهات اقتصادی و حرکت به سوی رونق مجدد و جنب و جوش اقتصادی را بسطی کشورهای مذکور در مقطع فعلی با مشکل روبرو ساخته است.

تحلیل بدبینانه

شرایط نابسامان اقتصادی در ایالات متحده آمریکا در مقطع کنونی در مقایسه با سالهای دهه ۸۰ چندان تفاوتی نکرده است. اما بر خلاف امریکا شرایط اقتصادی در اکثر کشورهای اروپای غربی در مقایسه با اوضاع و احوال اقتصادی سالهای دهه ۸۰ تغییر عمده کرده است. زیرا که اقتصاد این کشورها در اوایل دهه ۸۰ از رونق چشمگیری برخوردار بوده که به تدریج کاهش نموده است و معضلات و مشکلات اقتصادی ایجاد شده در مقایسه با گذشته به مراتب افزایش یافته است. در گزارشی دیگر مرکز تحقیقات اقتصادی

اتریش طی یک گزارش تحلیلی بدبینی بیشتری نسبت به روند جریانات اقتصادی کشورهای همسای غربی خصوصاً "اعضاء OECD" (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی) نشان داده است. به گزارش این مرکز شرایط اقتصادی در این کشورها روز به روز وخیم تر میشود و دولت های حاکم نیز تاکنون اقدام به اتخاذ سیاستی واحد جهت رهایی از بحران موجود ننموده اند. در این میان تنها ژاپن است که با رشد متوسط اقتصادی سالانه ۶ درصد در رأس کشورهای صنعتی قرار دارد. با این همه مسئولین دولتی این کشور همیشه نگرانی خود را در زمینه بعضی از مسائل اقتصادی و از آن جمله افزایش سهم صادرات کشورهای صنعتی جدید نظیر کره جنوبی، سنگاپور و تایوان و ایجاد رقابت در این کشورها با ژاپن و مشکلات اقتصادی ایجاد شده از جنگ تجاری با ایالات متحده آمریکا ابراز داشته اند.

نظر بانک جهانی

یک گزارش منتشر شده از سوی کارشناسان اقتصادی بانک جهانی حاکی است که علیرغم مشکلات و معضلات اقتصادی موجود در سالهای آینده ایالات متحده آمریکا به دلیل کیفیت و کمیت تولید و ثروت و قدرت بسیار در مجموعه سه قطبی اقتصادی شامل ژاپن، جامعه اقتصادی اروپا و خود ایالات متحده همچنان به صورت یک قدرت کلیدی باقی خواهد ماند.

تأثیرات منفی رکود اقتصادی جهانی

کارشناسان اقتصادی اتریش عقیده دارند در شرایط کنونی که رکود اقتصادی بین المللی در اقتصاد اکثر کشورهای اروپایی تأثیرات منفی بر جای گذاشته است یکی از راههای مقابله با این پدیده منفی کاهش نرخ بهره می باشد تا به این وسیله حجم سرمایه گذاری را افزایش دهد. امامی دانیم که هر اقدامی که از سوی یکی از

کشورهای عضو جامعه اقتصادی به عمل آید که دارای نتیجه‌های کم و بیش مثبت باشد بلافاصله از سوی دیگر کشورهای عضو مورد تقلید واقع خواهد شد و طبعاً " اثرات تک‌کشوری آن‌خنثی و یا ضعیف خواهد شد. بعلاوه معلوم نیست اثرات افزایش نقدینگی تا چه حد در تورم موجود جهان یا اروپا اثر منفی برجای بگذارد. تحولات منفی ارزی در اروپا براقطد اقتصاد اتریش فشارهایی وارد ساخته است. مرکز تحقیقات اقتصادی اتریش اخیراً " در گزارشی نوشته است معامله‌گران ارزی اروپا درگردهمایی در شهر مونیخ بدبینی خود را نسبت به آینده روند ارزی اروپا ابراز داشته‌اند. به اعتقاد نماینده بانک استرایی اتریش وضعیت ارزی اتریش به هیچ‌وجه در قبال بحران ارزی که تقریباً " نزدیک به یک سال است گریبانگیر کشورهای اروپایی شده مقاومت نکرده است. نامبرده گفته است چنانچه فرانسویان نیز مانند ایتالیا و انگلستان از روند سیستم واحد ارزی اروپایی خارج‌شوند و تبدیل ارز را همانند آن دو کشور آزاد سازند بدیهی است که موضوع سیستم ارز واحد اروپایی برای همیشه منتفی خواهد شد. خصوصاً اینکه اگر ارتباط پولی بین مارک آلمان و فرانک فرانسه از بین برود آن وقتکل سیستم ارز اروپایی از هم متلاشی می‌شود و بدیهی است چنین تحول منفی در آستانه یکپارچگی اروپا عملاً " به معنای شکستی کامل برای جامعه اروپا خواهد بود.

تلاش بانکداران

بانکداران اروپایی طی ماههای اخیر ضمن برپایی اجلاسهای متعدد به منظور دست‌یابی به یک راه حل مناسب جهت خروج از بحران ارزی موجود اقدامات مؤثری به عمل آوردند و از جمله اجرای مقررات جدید تبدیل ارزهای اروپایی را برای بعداز دوران رکود فعلی خواستار شده‌اند.

چندی قبل وزرای دارایی کشورهای اروپایی به منظور دست‌یابی به یک سیاست مستقل در زمینه مسائل و مشکلات اقتصادی و رهایی از بحران موجود در سطح اروپا اجلاسی برگزار کردند. در آن هنگام گفته شد تصمیمات اجلاس مذکور موجب یک تحرک و رشد درصدی اقتصاد در یک سال آینده در بین کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا خواهد شد و پیش‌بینی شد که در این مدت حدود ۴۵۰ هزار شغل جدید در کشورهای مذکور ایجاد گردد و مقر شدتاً کشورهای شرکت کننده در زمینه مسائل و مشکلات اقتصادی داخلی از سیاستهای جمعی پیروی کنند و تک روی ننمایند.

بنظر میرسد اینک در جلوی همه خوشبینی‌های اعلام شده علامت سئوالی قرار گرفته باشد.

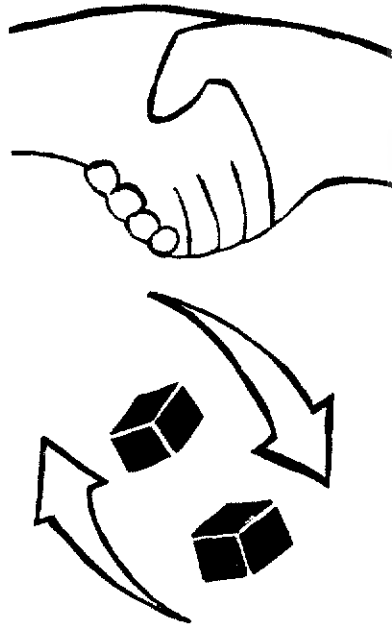
سیاستهای کشاورزی

در جامعه اقتصادی اروپا مسأله اساسی این است که اقتصاد کشورهای مذکور برخلاف آنچه در بادی امر به نظر میرسد از اختلاف درجه بسیار زیادی برخوردار است.

اگر فرض کنیم روزی کشورهای اروپای شرقی نیز به این جامعه ملحق شوند، آنوقت اختلاف سطح اقتصادی این جامعه بازم چند برابر میشود. مسأله ساخت یک اتومبیل یا یک وسیله برقی خانگی و یا یک کامپیوتر نیست که کم و بیش همه این کشورها تولیداتی از این دست دارند، بلکه اختلاف اساسی در سطح تولیدات کشاورزی این کشورها نهفته است. برای مثال فرانسه در جامعه اقتصادی اروپا از نظر کشاورزی قدرت برتر مطلق به شمار می‌رود و طبعاً " با توجه به اینکه اصولاً " بنیان اقتصادی این کشور و قوام اجتماعی آن بر کشاورزی استوار است طبعاً " به سهولت قادر و مایل نخواهد بود که برنامه‌های ملی خود را در معرض طرحهای آزمایش‌نشده‌ای قرار دهد. البته بعضی از قسمتهای اروپا دارای ساختارهای اقتصادی کم و بیش مشابهی هستند. طبعاً " این قسمتها در یک دست کردن قوانین و

مقررات مربوط به کشاورزی کمتر دشواری داشته باشند. اما به هر حال هیچ یک از کشاورزان کشورهای جامعه اقتصادی اروپا تمایل به استقبال از خطر در قبال آنچه سالیان دراز از طریق آن زندگی می‌کردند و یا حتی از پدران خود به ارث برده‌اند، ندارند.

استان بایر در آلمان، استان زودیده تیرویل در شمال شرقی ایتالیا و نیز سوئیس و اتریش از نظر بافت طبیعی و منطقی‌های مشترکات بسیار نزدیکی با یکدیگر داشته و دارند و ساختارهای جدید سیاست کشاورزی اروپا در ارتباط با مسائل جاری زیست محیطی، جنگلداری و مراتع در این مناطق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به نحوی که این ۴ منطقه عملاً " سیاستهای کشاورزی اروپا را پایه‌ریزی می‌کنند. روند طبیعی روشهای کاشت و هماهنگی سیاستهای درآمدی و سیله‌ایست که توسط آن اخذ تدابیر کشاورزی جهت خانوارهای کشاورز باید مورد توجه خاص قرار



گیرد. برای یکسان کردن سیاستهای کشاورزی به نحوی که جامعه اقتصادی اروپا بتواند در همه کشورهای خانوارهای کشاورز را راضی نگه دارد، کارشناسان اتریشی برنامه‌های خاصی را پیشنهاد کرده‌اند از جمله آنکه:

– حجم تولیدات کشاورزی در کل اروپا به خصوص در زمینه غلات، لبنیات و گوشت بایستی کاهش پیدا کند.

– حاصل درآمد کشاورزان بطور وسیعی توسط پرداختهای مستقیم انجام گیرد (به عبارت دیگر هر نوع سوبسید قطع شود).

– دستور العمل افزایش مواد اولیه مورد نیاز کشاورزی بطور وسیعی پیگیری شود.

در زمینه نکات بالا ذکر این نکته لازم است که اگر چه کاهش حجم تولیدات کشاورزی در کل اروپا ممکن است زحمت کمتر با درآمد بیشتر برای جامعه اروپا ایجاد نماید، لیکن این امر به ضرر کشورهای در حال رشد و جهان سوم که به این محصولات نیاز حیاتی دارند تمام خواهد شد (هرچند پاره‌های گزارشات تهیه شده توسط جامعه اقتصادی اروپا خلاف این امر را بیان می‌کنند و اظهار می‌دارند سیاستهای جهانی تجارت تولیدات کشاورزی حتی با بین‌تراز قیمت بین‌المللی تعیین شده سبب رفاه بیشتر جهانی خواهد شد).

بر اساس مصوبه ماستریخ در ۷ فوریه ۱۹۹۲، تشکیل اتحادیه اروپا و روابط بین کشورهای عضو این اتحادیه خاصه در قسمت شرق اروپا باید مورد توجه خاص قرار گیرد و تنظیم سیاستهای جدید کشاورزی در حقیقت بعنوان گشایش دروازه‌های روبه‌رو شدن با مسائل و مشکلات این بخش است.

در این میان انجمنهای کشاورزی اروپا از قبیل (COPA) و (CEA) خواستار تعیین وظایف کشاورزی در ارتباط با تضمین تولید و مواد غذایی بر مبنای نیاز و ضرورت مواد اولیه و حفظ زیبانیهای طبیعی می‌باشند.

سازمان خواروبار کشاورزی جهانی (FAO)

نیز خواستار تأمین مواد غذایی کافی برای تمام مردم جهان است. لیکن در همین زمان اجلاس وزرای کشاورزی کشورهای عضو OECD تفاهتنامه‌ای را امضاء کرد که در راستای سیاستهای کشاورزی خود، کلیه کشورهای عضو از روشهای محدودیت تولید، حجم مؤثر تولید و تقویت پرداختهای مستقیم جهت تسوازن ضررهای درآمدی پیروی کنند.

در مورد اتریش عوقیت جغرافیائی – سیاسی این کشور ایجاب می‌نماید که تغییر دیگرگونی اساسی جهت اطمینان بخشیدن به استفاده مطلوب از اراضی قابل کشت خانوارهای کشاورز، تحت شرایط خاصی در جامعه اقتصادی اروپای شرقی به مورد اجرا گذاشته شود.

دولت اتریش در سال ۱۹۸۹ به طور صریح اعلام کرد که به جامعه اقتصادی اروپا خواهد پیوست و مایل است در این بازار نقش فعال داشته باشد. بدیهی است این کشور ناچار است از نظر کشاورزی با احتیاط بیشتر عمل کند تا بحران دهه ۹۰ را تخفیف دهد.

شرق سرگردان

کشورهای اروپای شرقی سابق به جزء یوگسلاوی سابق که اینک عرصه جنگهای متعدد و خونین‌ترین کشتارهای تا س‌ف‌بار تاریخ است. عمدتاً گذر از اقتصاد متمرکز دولتی سابق را به اقتصاد بازار با آرامشی نسبی انجام دادند و تا آنجا که اطلاع داریم در حال بازسازی اقتصاد خود و پایه‌گذاری بنیانهای اساسی هستند. با این همه هرگز نمی‌توان انکار کرد که این کشورها با دشواریهای عدیده‌ای روبرو هستند که مهمترین آنها کاهش سرمایه است. در عین حال برادران آنها در اروپای غربی هنوز در پذیرفتن آنها بعنوان اعضا جدید جامعه اقتصادی اروپا و ایجاد اروپای بزرگ واحد مردد هستند. این تردید ناشی از کینه‌توزی نیست بلکه از همان مسأله نیاز به سرمایه و کار مایه می‌گیرد. مسأله مهاجرت انبوه گروه کارگران اروپایی

شرقی سابق به دیگر کشورهای اروپای غربی به امید یافتن کار و دستمزد بیشتر هم‌اکنون به صورت معضلی قابل توجه درآمده است. از طرفی دیگر در این سالها که دنیا با بحران روبروست و از بین رفتن کمونیزم نظام تولید جهانی و نظم بازارها را برهم زده و از جمله بسیاری از صنایع اسلحه‌سازی سابق در تغییر خط تولید به کلی فرومانده‌اند و بر عمق و شدت بحران افزوده شده است، اروپای شرقی سابق خود برای جامعه اقتصادی اروپا مسالما شده است. زیرا از یک طرف پذیرفتن بی‌قید و شرط آنها در این جامعه بر مشکلاتی که به آن اشاره شد دامن می‌زند و از سوی دیگر نپذیرفتن آنها بطور کامل و با شرایط مساوی با دیگران به جامعه اقتصادی اروپا در بلندمدت از ایجاد اروپای بزرگ و قدرتی که بتواند در برابر اقتصاد مهاجم ژاپن و آمریکایی که در حال اتحاد با کانادا و مکزیک است، می‌کاهد. به این ترتیب ملاحظه میشود که حل معضل چندان هم آسان نیست.

دنیای غرب متجاوز از ۷۰ سال با میلیاردها دلار به طور مستقیم و غیرمستقیم در مبارزه برای نابودی سیستم کمونیستی تلاش کرد (در این تلاش بود که صنایع دفاعی و تهاجمی نامرئله جنگ ستارگان نیز پیشرفت نمود). اینک که عملاً کمونیزم در آستانه اضمحلال قرار گرفته و به جزء یکی دو کشور (از جمله چین) که هنوز ظاهراً رژیم کمونیستی خود را حفظ کرده‌اند بقیه کشورها به اقتصاد بازار روی آورده‌اند. دنیای غرب از کمک برای بازسازی اقتصاد این کشورها خودداری می‌کند. معلوم نیست که آیا هدف این است که این کشورها از آنچه هم‌اکنون هستند ضعیف‌تر شوند تا اندیشه تجدید نظام کمونیستی را به کلی از سر به درکنند و یا به علت بحران موجود جهانی عملاً قادر به کمک مؤثری نیست. این کشورها بدون احتساب یوگسلاوی سابق در سال گذشته مجموعاً ۱۷/۵ میلیارد دلار از مراکز خارجی کمک مالی گرفته‌اند که سهم پرداختی اتریش با احتساب کمکهای غیرنقدی بیش از ۳/۳ میلیارد دلار بوده است.

بالاترین رقم مربوط به پرداخت وام به کشورهای اروپای شرقی سابق مربوط به صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بود که ۸۴ درصد وامها را تشکیل می‌داده است. طبیعی است کشورهایی که در تغییر رژیم خود وضعی ثابت‌تر و مستحکم‌تر داشته‌اند توانسته‌اند بیشتر از سرمایه‌های خارجی استفاده نمایند که در این میان چک و اسلواکی و مجارستان بیشترین مبالغ راه خود اختصاص دادند.

بانکهای تجاری غرب در این دوران رکسود جهانی تمایل کمتری به سرمایه‌گذاری در بلوک شرق نشان دادند. معهدا بر اساس گزارشی که معاون وزارت اقتصاد و بازرگانی مجارستان در کنفرانسی در تهران ارائه داد، آن کشور از طریق خصوصی سازی توانسته است مبالغ قابل توجهی سرمایه خارجی را به کشور خود جلب نماید.

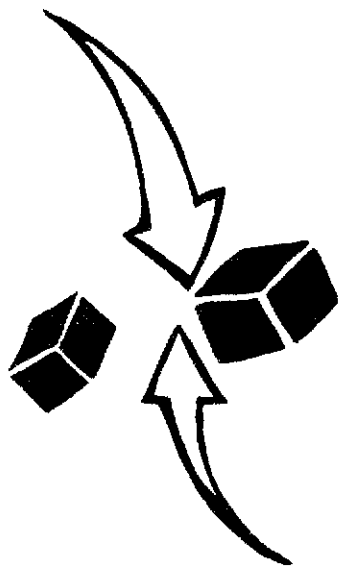
بدون تردید موفقیت‌های آینده جامعه اقتصادی اروپا تا حدود زیادی بستگی به میزان سرمایه‌گذاری و مشارکت کشورهای پیشرفته غرب در اروپای شرقی سابق خواهد داشت. اخیراً دبیرخانه بازار مشترک اروپا (جامعه اقتصادی) در رابطه با همین موضوع گزارشی انتشار داد که حاکی از وجود موانع بسیار در زمینه سرمایه‌گذاری در کشورهای اروپای شرقی و روسیه می‌باشد. لازم به تذکر است که آن قسمت عظیم از شوروی سابق که امروز روسیه نامیده میشود به گفته بوریس یلتسین رئیس جمهور آن کشور علاقمند است تا به جامعه اقتصادی پیوندد و به اصطلاح وحدت اقتصادی سراسری اروپا را تأمین کند. اما به علت دشواریهای اقتصادی متعددی که روسیه از قبل از فروپاشی نظام کمونیستی با آن روبرو بود و اینک با تغییر رژیم تشدید شده است، جامعه اقتصادی اروپا اگر هم در مورد دیگر کشورهای اروپای شرقی یک‌نوع تمایل قلبی برای به جرگه خود درآوردن آنها داشته باشد در مورد روسیه عملاً "هیچگونه‌ابراز علاقه" مؤثر و سرنوشت سازی ابراز نکرده است. در زمره مشکلات گفته شده، نبودن مکانیزم بازار آزاد، انحصاری بودن و ناقص بودن

اطلاعات مربوط به اقتصاد بازار کشورهای اروپای شرقی از عمدترین مسائل محسوب میشود. کارشناسان اقتصادی اروپا معتقدند برای اینکه شرکتهای بزرگ صنعتی و بانکداران بزرگ اروپایی در برنامه‌های خود برای نفوذ در کشورهای خارج شده از نظام کمونیستی موفق شوند بایستی بخش عمده‌ای از کمکهای اقتصادی خود را به اروپای شرقی سابق از طریق بخش خصوصی انجام دهند و اگر چه این کار هنوز یک نوع استقبال شدید از خطر میباشد، بایستی این ریسک را بپذیرند.

ایالات متحده آمریکا برای تشویق به سرمایه‌گذاری شرکتهای آمریکایی در اروپای شرقی، شرکتهای متبوع خود را به مدت ده سال از مالیات معاف ساخته است که این اقدام از طرف کشورهای اروپایی مورد توجه قرار گرفته است.

مسئله روسیه

در ضمن بحث گذشته اشارهای به روسیه داشتیم. به طور کلی تحولات سیاسی و اقتصادی روسیه در سالهای اخیر موفقیت‌های بی‌سابقه‌ای را برای کشورهای غربی در زمینه سرمایه‌گذاری در طرحهای اقتصادی این کشور فراهم کرده است. اگر چه پارهای از ناسامانیهای سیاسی و برخورد قدرتها در این کشور بخصوص در چند ماه گذشته تأمل برانگیز شده لیکن ظن قوی بر آن است که به تدریج و در فرصتی معقول ثبات و آرامش سیاسی و در پی آن ثبات اقتصادی در این کشور به وجود آید. فراموش نکنیم که روسیه هنوز کشوری بسیار بزرگ با منابع قابل توجه، ذخایر فراوان و خاصه تکنولوژی، تخصص و فرهنگ بسیار قوی است و طبعاً نقش این کشور را در تحولات دنیای آینده - پس از عبور از مرحله انتقالی کنونی - نمی‌توان فراموش کرد. با این همه طی سالهای حکومت کمونیستها در روسیه که اقتصاد آن کشور عمدتاً "به صورت دستوری و برنامه‌ریزی شده اداره می‌شد و گزارشهای کمی مطرح بود بسیاری از واحدهای



تولیدی کهنه و فرسوده شدند دولت با هزینه‌های سرسام‌آور نظامی از یک طرف و نبودن انگیزه از سوی دیگر قادر و مایل به تجدید واحدهای کهنه و فرسوده نبود و اینک این ضرورت خود را عیان می‌سازد و این امر طبعاً "سرمایه‌های خارجی را می‌طلبد که در عین حال نباید به صورت ایجاد انحصارات خارجی در آن کشور درآید و به مکانیزم اقتصاد بازار که اینک که روسیه میرود تا به آن دست پیدا کند لطمه بزند. ادامه این بحث را در شماره‌های بعدی دنبال خواهیم کرد. ■

ادامه دارد

پی نوشت:

با استثنای این گزارش مربوط به نویسنده است و لروما "نظرات اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران نیست.